

رسالة محمد

دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده علوم اجتماعی و علوم اقتصادی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته مطالعات زنان

عنوان:

بررسی اعتماد اجتماعی زنان (مورد مطالعه: مناطق ۳ و ۱۶ شهر تهران)

استاد راهنما:

دکتر افسانه کمالی

استاد مشاور:

دکتر غلامرضا غفاری

دانشجو:

لاله اسکندری

اسفند ۱۳۸۸

تقدیم به:

تمامی آنهایی که به من آموختند آنچه آموختنی بود
و تمامی کسانی که دوستشان دارم

به ویژه

مادر و پدر مهربانم که مهربانترین نشانه مهربانی خدا هستند
باشد که همه عمر حق شناس همراهی ها و مهربانیهای بی دریغشان باشم

و

تقدیم به همه زنان ایران زمین
که همواره از دردها و رنجهای ناگفته و ناشناخته در رنجاند

تقدیر و تشکر

در آغاز خداوند منان را شکرگذارم که پرتو لطف بی‌کرانش راهنما و روشنگر راهم بوده است. باشد که پوینده راه حق باشم.

اکنون که به لطف پروردگار یکتا تدوین این پایان نامه به اتمام رسیده است، وظیفه خود می‌دانم مراتب تقدیر و تشکر خویش را از عزیزانی که در تکمیل و تدوین این پایان نامه مرا راهنمایی و مساعدت نموده اند ابراز نمایم.

استاد گرامی و عزیزم سرکار خانم دکتر کمالی پاس می‌دارم تمامی تلاشتان را در طول این مسیر که با رهنمودهای خردمندانه و دقت نظر خویش روشنگر راهم بودید .

از شما استاد گرامی و عزیز جناب آقای دکتر غفاری که مشاوره‌ی این پایان نامه را پذیرفتید و با ارائه نظرات دقیق و رهنمودهای ارزنده خویش بهره‌مندم ساختید، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از خواهران عزیزم زهرا و مهناز که دلسوزی هایشان قوت قلبم بود قدردانی می‌نمایم. از تمامی دوستان عزیزم که در پیشبرد این تحقیق یاریم نمودند مخصوصاً خانم‌ها: مریم حسین آبادی ، اکرم موسوی ، الهام اسکندری ، فائزه موسوی و مریم اصغری صمیمانه سپاسگزارم.

از مسئول محترم آموزش تحصیلات تکمیلی، خانم گشاده‌دل عزیز که در طول این دوران از حسن خلق و محبت‌های بی‌دریغ شان بهره‌مند شدم و همچنین گروه مطالعات زنان، پژوهشکده زنان، و کلیه کسانی که به نحوی زحمتشان دادم، نهایت تشکر را دارم

چکیده

مطالعه حاضر به مقوله اعتماد اجتماعی می‌پردازد که در جوامع امروزی نیازی مبرم و حیاتی می‌باشد. این پژوهش بر آن است تا سطح اعتماد اجتماعی زنان و عوامل مؤثر بر آن را مورد مطالعه قرار دهد. بسیاری از نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی تأکیدی ویژه بر نقش تعاملات و روابط در ایجاد اعتماد داشته‌اند و معتقدند اعتماد در روابط و تعاملات معنا پیدا می‌کند، توسعه می‌یابد و تقویت می‌شود. در بحث اعتماد اجتماعی زنان، می‌توان به محدود بودن روابط اجتماعی آنان اشاره کرد. در فرهنگ مردسالار جامعه ایرانی که با ارزشهای تعصب و ناموس پرستی در هم تنیده شده است، زنان شریان حیاتی حیثیت و آبروی خانواده و مردان محسوب می‌شوند. لذا مردان از طریق اعمال محدودیتهای متعدد به تنظیم روابط و مسایل زنان در چارچوب ارزشهای خاص خود می‌پردازند. ماحصل چنین نظامی محدودیت زنان در برقراری روابط اجتماعی و حضور در عرصه های مختلف اجتماع است. این پژوهش بر آن است تا به مطالعه نقش و تاثیر ناموس پرستی، سطح روابط اجتماعی و نوع روابط زنان بر اعتماد اجتماعی آنان بپردازد.

در این پژوهش که به روش پیمایشی صورت گرفته، حجم نمونه ۲۹۰ نفر و جامعه آماری، زنان همسر دار ساکن در مناطق ۳ و ۱۶ شهر تهران است. یافته های پژوهش حاکی از وجود همبستگی معنادار در سطح ۹۹ درصد، بین متغیر وابسته اعتماد اجتماعی با هر یک از متغیرهای مستقل ناموس پرستی، سطح روابط اجتماعی و نوع روابط اجتماعی می‌باشد.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، تعصب، ناموس پرستی، زنان

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : کلیات پژوهش

۱	۱ . ۱ . مقدمه
۲	۲ . ۱ . طرح مسئله
۶	۳ . ۱ . پرسش‌های پژوهش
۷	۴ . ۱ . ضرورت پژوهش
۱۰	۵ . ۱ . اهداف پژوهش

فصل دوم : ادبیات پژوهش

۱۱	۱ . ۲ . مقدمه
۱۱	۲ . ۲ . ناموس پرستی، روابط اجتماعی و اعتماد اجتماعی
۱۱	۱ . ۲ . ۲ . تعریف ناموس و تعصب
۱۳	۲ . ۲ . ۲ . مروری بر تاریخچه ناموس پرستی در ایران
۱۷	۳ . ۲ . ۲ . ناموس پرستی در قوانین ایران
۱۸	۴ . ۲ . ۲ . تبعات ناموس پرستی
۳۵	۳ . ۲ . تعریف اعتماد
۳۵	۱ . ۳ . ۲ . تعریف لغوی اعتماد
۳۵	۲ . ۳ . ۲ . تعریف اعتماد از دیدگاه اندیشمندان
۴۰	۳ . ۳ . ۲ . اعتماد و مفاهیم نزدیک به آن
۴۱	۴ . ۳ . ۲ . انواع اعتماد
۴۳	۴ . ۲ . نظریه های اعتماد
	الف . نظریه پردازان کلاسیک
۴۳	۱ . ۴ . ۲ . اسپنسر
۴۴	۲ . ۴ . ۲ . دورکیم
۴۵	۳ . ۴ . ۲ . تونیس
۴۷	۴ . ۴ . ۲ . زیمل

۴۸	۲ . ۴ . ۵ . وبر
	ب . نظریه پردازان معاص
۵۱	۲ . ۴ . ۶ . پارسونز
۵۴	۲ . ۴ . ۷ . اریکسون
۶۱	۲ . ۴ . ۸ . جانسون
۶۴	۲ . ۴ . ۹ . رز ، میروسکی و پریش
۶۶	۲ . ۴ . ۱۰ . لوهمان
۶۷	۲ . ۴ . ۱۱ . اینگلهارت
۶۸	۲ . ۴ . ۱۲ . پاتنام
۶۹	۲ . ۴ . ۱۳ . فوکویاما
۷۲	۲ . ۴ . ۱۴ . گیدنز
۷۷	۲ . ۴ . ۱۵ . نظریه مبادله
۷۸	۲ . ۴ . ۱۵ . ۱ . هومنز
۷۹	۲ . ۴ . ۱۵ . ۲ . بلاو
۸۲	۲ . ۴ . ۱۵ . ۳ . کلمن
۹۰	۲ . ۴ . ۱۶ . چلبی
۹۹	۲ . ۵ . جمع بندی نظریات
۱۰۱	۲ . ۶ . پیشینه پژوهش
	۲ . ۶ . ۱ . اعتماد ، اجتماع و جنسیت ، بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در
۱۰۲	بین دو جنس
	۲ . ۶ . ۲ . بررسی رابطه متقابل بین سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد
۱۰۲	متقابل بین شخصی و جنسیت
۱۰۴	۲ . ۷ . چارچوب نظری و مدل تحلیلی
	۲ . ۸ . فرضیات پژوهش
۱۱۱	

فصل سوم : روش پژوهش

۱۱۲	۳ . ۱ . مقدمه
۱۱۲	۳ . ۲ . روش تحقیق

۱۱۳	۳. ۳. موضوع سنجش
۱۱۴	۳. ۳. ۱. متغیر وابسته
۱۱۴	۳. ۳. ۲. متغیرهای مستقل
۱۱۷	۳. ۳. ۳. متغیرهای زمینه ای
۱۲۰	۳. ۴. قلمرو تحقیق
۱۲۰	۳. ۴. ۱. پیش آزمون پرسشنامه
۱۲۰	۳. ۴. ۲. جامعه آماری
۱۲۱	۳. ۴. ۳. واحد آماری
۱۲۱	۳. ۴. ۴. تعیین حجم نمونه
۱۲۲	۳. ۴. ۵. روش نمونه گیری
۱۲۲	۳. ۵. اعتبار و روایی تحقیق
۱۲۵	۳. ۶. تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم : یافته های پژوهش

۱۲۶	۴. ۱. مقدمه
۱۲۶	۴. ۲. توصیف متغیرهای زمینه ای
۱۳۱	۴. ۳. توصیف متغیر وابسته
۱۳۶	۴. ۴. توصیف متغیرهای مستقل
۱۵۶	۴. ۵. بررسی رابطه بین متغیرها
۱۷۲	۴. ۶. تحلیل رگرسیون چندگانه

فصل پنجم : جمع بندی و نتیجه گیری

۱۷۵	۵. ۱. مقدمه
۱۷۶	۵. ۲. خلاصه
۱۸۵	۵. ۳. جمع بندی و نتیجه گیری
۱۹۲	۵. ۴. پیشنهادات
۱۹۴	۵. ۵. محدودیتهای پژوهش
۱۹۵	فهرست منابع پیوستها

فهرست جداول

۵۶	جدول (۱ . ۲) مراحل روانی اجتماعی رشد اریکسون
۱۱۹	جدول (۱ . ۳) متغیرهای مورد مطالعه و چگونگی سنجش آنها
۱۲۴	جدول (۲ . ۳) ضرایب آلفای کرونباخ گویه های متغیرهای مختلف پرسشنامه
۱۲۶	جدول (۱ . ۴) توزیع فراوانی سن پاسخگویان
۱۲۷	جدول (۲ . ۴) توزیع فراوانی تحصیلات پاسخگویان
۱۲۷	جدول (۳ . ۴) توزیع فراوانی پایگاه اقتصادی واجتماعی پاسخگویان
۱۲۸	جدول (۴ . ۴) توزیع فراوانی وضع فعالیت پاسخگویان
۱۲۸	جدول (۵ . ۴) توزیع فراوانی وضع شغلی پاسخگویان
۱۲۹	جدول (۶ . ۴) توزیع فراوانی نوع شغل پاسخگویان
۱۲۹	جدول (۷ . ۴) توزیع فراوانی درآمد خانواده پاسخگویان
۱۳۰	جدول (۸ . ۴) توزیع فراوانی بعد خانوار پاسخگویان
۱۳۰	جدول (۹ . ۴) توزیع فراوانی وضع مهاجرت پاسخگویان
۱۳۱	جدول (۱۰ . ۴) گویه های مربوط به سنجش حسن ظن
۱۳۳	جدول (۱۱ . ۴) گویه های مربوط به سنجش اعتماد تحت شرایط مخاطره
۱۳۴	جدول (۱۲ . ۴) توزیع فراوانی ابعاد اعتماد اجتماعی پاسخگویان
۱۳۵	جدول (۱۳ . ۴) توزیع فراوانی اعتماد اجتماعی پاسخگویان
۱۳۶	جدول (۱۴ . ۴) اعتماد اجتماعی به تفکیک منطقه پاسخگویان
۱۳۷	جدول (۱۵ . ۴) گویه های مربوط به سنجش تعصب و ناموس پرستی
۱۳۹	جدول (۱۶ . ۴) توزیع فراوانی سطح تعصب اعمال شده بر پاسخگویان
۱۴۰	جدول (۱۷ . ۴) تعصب و ناموس پرستی به تفکیک منطقه پاسخگویان
۱۴۱	جدول (۱۸ . ۴) گویه های مربوط به سنجش روابط اجتماعی

- ۱۴۲ جدول (۱۹ . ۴) توزیع فراوانی سطح روابط اجتماعی پاسخگویان
- ۱۴۳ جدول (۲۰ . ۴) سطح روابط اجتماعی به تفکیک منطقه پاسخگویان
- ۱۴۴ جدول (۲۱ . ۴) توزیع فراوانی سطح روابط اجتماعی با زنان
- ۱۴۴ جدول (۲۲ . ۴) سطح روابط با زنان به تفکیک منطقه پاسخگویان
- ۱۴۵ جدول (۲۳ . ۴) توزیع فراوانی سطح روابط اجتماعی با مردان
- ۱۴۵ جدول (۲۴ . ۴) سطح روابط با مردان به تفکیک منطقه پاسخگویان
- ۱۴۶ جدول (۲۵ . ۴) گویه های مربوط به سنجش نوع روابط
- ۱۴۸ جدول (۲۶ . ۴) توزیع فراوانی نوع روابط پاسخگویان
- ۱۴۸ جدول (۲۷ . ۴) نوع روابط به تفکیک منطقه پاسخگویان
- ۱۴۹ جدول (۲۸ . ۴) توزیع فراوانی نوع روابط پاسخگویان با زنان
- ۱۴۹ جدول (۲۹ . ۴) نوع روابط با زنان به تفکیک منطقه پاسخگویان
- ۱۵۰ جدول (۳۰ . ۴) توزیع فراوانی نوع روابط پاسخگویان با مردان
- ۱۵۱ جدول (۳۱ . ۴) نوع روابط اجتماعی با مردان به تفکیک منطقه پاسخگویان
- ۱۵۲ جدول (۳۲ . ۴) گویه های مربوط به سنجش بی قدرتی
- ۱۵۳ جدول (۳۳ . ۴) توزیع فراوانی احساس بی قدرتی پاسخگویان
- ۱۵۳ جدول (۳۴ . ۴) احساس بی قدرتی به تفکیک منطقه پاسخگویان
- ۱۵۴ جدول (۳۵ . ۴) گویه های مربوط به اعتماد بنیادین
- ۱۵۵ جدول (۳۶ . ۴) توزیع فراوانی اعتماد بنیادین
- ۱۵۶ جدول (۳۷ . ۴) اعتماد بنیادین به تفکیک منطقه پاسخگویان
- ۱۵۷ جدول (۳۸ . ۴) نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته
- ۱۶۰ جدول (۳۹ . ۴) رابطه ی بین متغیرهای مستقل با یکدیگر
- ۱۶۳ جدول (۴۰ . ۴) اعتماد اجتماعی به تفکیک سن پاسخگویان
- ۱۶۴ جدول (۴۱ . ۴) اعتماد اجتماعی به تفکیک تحصیلات پاسخگویان
- ۱۶۵ جدول (۴۲ . ۴) اعتماد اجتماعی به تفکیک وضع شغلی پاسخگویان
- ۱۶۵ جدول (۴۳ . ۴) اعتماد اجتماعی به تفکیک پایگاه پاسخگویان
- ۱۶۶ جدول (۴۴ . ۴) تعصب به تفکیک سن پاسخگویان

- ۱۶۷ جدول (۴۵ . ۴) تعصب به تفکیک تحصیلات پاسخگویان
- ۱۶۷ جدول (۴۶ . ۴) تعصب به تفکیک وضع شغلی پاسخگویان
- ۱۶۸ جدول (۴۷ . ۴) تعصب به تفکیک پایگاه پاسخگویان
- ۱۶۹ جدول (۴۸ . ۴) اعتماد بنیادین به تفکیک تحصیلات پاسخگویان
- ۱۶۹ جدول (۴۹ . ۴) اعتماد بنیادین به تفکیک وضع شغلی
- ۱۷۰ جدول (۵۰ . ۴) سطح روابط اجتماعی به تفکیک تحصیلات پاسخگویان
- ۱۷۱ جدول (۵۱ . ۴) سطح روابط اجتماعی به تفکیک وضع شغلی پاسخگویان
- ۱۷۱ جدول (۵۲ . ۴) سطح روابط اجتماعی به تفکیک پایگاه پاسخگویان
- ۱۷۲ جدول (۵۳ . ۴) رگرسیون چندگانه و مقدار ضرایب
- ۱۷۲ جدول (۵۴ . ۴) تحلیل واریانس
- ۱۷۳ جدول (۵۵ . ۴) ضرایب رگرسیون استاندارد شده (beta)

فصل اول

کلیات پژوهش

۱.۱. مقدمه

مقوله اعتماد اجتماعی در تمامی اعصار و قرون یکی از موضوعات مهم حیات بشری بوده و با گذشت زمان بر اهمیت آن افزوده شده است.

حوزه اعتماد در جوامع سنتی معمولاً در حد خانواده یا اقوام گسترش می‌یافت اما در جوامع امروزی باید اعتماد تا سطح کل جامعه تعمیم یابد. همیاری، همکاری و مشارکت اجتماعی و سیاسی نیز مشروط به گستره اعتماد است.

داده‌های آماری در جامعه ما حاکی از پایین بودن سطح اعتماد در جامعه است (کاظمی پور، ۱۳۸۳). سطح اعتماد در زنان حتی از مردها هم کمتر است و این تفاوت در اعتماد به دیگران دور بیشتر می‌شود (کمالی، ۱۳۸۲). از آنجا که اعتماد به دیگران دور و همچنین اعتماد اجتماعی جزء اصلی و لازمه تعاملات اجتماعی در دنیای مدرن است، پایین بودن آن در زنان نشانه آسیب شناختی روابط اجتماعی و نیز به منزله سدی برای ورود زنان به اجتماع محسوب می‌شود.

روابط و تعاملات اجتماعی خصوصاً روابط گرم و صمیمانه، نقش اساسی و کلیدی در ایجاد اعتماد اجتماعی دارند. در واقع اعتماد در روابط و تعاملات معنا پیدا می‌کند، توسعه می‌یابد و تقویت می‌شود. در بحث پایین بودن اعتماد زنان و به خصوص اعتماد اجتماعی آنان می‌توان به محدود بودن سطح روابط و تعاملات آنان اشاره کرد. در جامعه ما که بر پایه مردسالاری قرار دارد ناموس پرستی نظامی محدود کننده و سلطه گرانه را پدید آورده است که در آن زنان شریان حیاتی حیثیت و آبروی خانواده محسوب می‌شوند و لذا مردان در چارچوب آن، از طریق اعمال محدودیت‌های متعدد به تنظیم روابط و مسایل زنان در راستای ارزشهای خاص خود می‌پردازند. ماحصل چنین روندی محدودیت زنان در برقراری روابط اجتماعی و حضور در عرصه‌های مختلف اجتماع و فضای عمومی است. این پژوهش بر آن است تا به بررسی سطح اعتماد اجتماعی زنان و به ویژه نقش و تأثیر ناموس پرستی و نیز پایین بودن

سطح روابط اجتماعی زنان و تقلیل این روابط به روابط سرد و ابزاری - که به نظر می رسد خود منتج از ناموس پرستی می باشند - بر کاهش سطح اعتماد اجتماعی زنان بپردازد.

۲.۱. طرح مسئله

اعتماد یکی از جنبه های مهم روابط انسانی است که می تواند در حوزه روابط انسانی و اجتماعی تمام ابعاد زندگی را در بر گرفته و بعنوان یک ساز و کار روان شناختی - اجتماعی کارکردهای متعددی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره داشته باشد.

در بعد فردی اعتماد در کنار احساس امنیت و حسن ظن و خوش بینی، زمینه ساز رشد شخصیت سالم و تضمین کننده سلامت روانی در افراد می باشد. در بعد اجتماعی همکاری بین افراد، گروهها و اعضای جامعه در صورت وجود فضای اعتماد آمیز بهتر صورت می گیرد. در واقع اعتماد تسهیل کننده همکاری و پیش شرط مشارکت در زمینه های گوناگون در جامعه می باشد. اعتماد زمینه ساز جامعه مدنی است، که ویژگی اساسی آن پیوستن داوطلبانه افراد به انجمن ها، اصناف، احزاب و گروههای اجتماعی است. اعتماد عنصر کلیدی در ایجاد و حفظ نظم و انسجام اجتماعی محسوب می شود. افزایش مشروعیت حکام و توسعه سیاسی و اجتماعی و اجرای درست برنامه های توسعه ای در گروی حفظ اعتماد مردم است. مبادلات اقتصادی در سایه اعتماد با سهولت بیشتر و هزینه کمتری صورت می گیرد. در محیطی که اعتماد وجود دارد تعارضها و ستیزها کاهش می یابد و میزان بردباری افراد نسبت به یکدیگر افزایش می یابد. اعتماد باعث ایجاد امنیت و آرامش روانی در جامعه می شود. بطور کلی می توان گفت اعتماد شالوده زندگی اجتماعی است. در صورتی که بی اعتمادی منشأ بسیاری از گرفتاریها، نابسامانیها، ناامنیها، بی ثباتیها، نارضایتیها و رواج دروغ و ریا و نادرستی و عدم رعایت اخلاق می باشد. اگر افراد جامعه نسبت به یکدیگر اعتماد نداشته باشند، تداوم زندگی در چنین جامعه ای دشوار

خواهد بود. کاهش اعتماد در جامعه موجب می‌گردد که افراد احساس ناامنی کرده و به دلیل ترس از نگرانی از همکاری و گسترش تعاملات کناره‌گیری کنند.

بررسی‌های انجام شده در ایران حاکی از آن است که سطح اعتماد در جامعه ما در مقایسه با کشورهای غربی پایین‌تر است. بعنوان مثال مطالعه اسدی در سال ۵۳ نشان می‌دهد در ایران تنها ۵۳٪ پاسخگویان معتقدند که بیشتر مردم قابل اعتمادند، در حالی که در جوامع غربی بیش از ۸۵٪ پاسخگویان به مردم اعتماد دارند (شارع پور، ۱۳۸۰ : ۱۱). در مطالعات دیگری در مورد اعتماد ارقامی پایین‌تر از ۴۰٪ بدست آمده است. بعنوان مثال چلبی رقم ۳۳/۸٪ و امیرکافی رقم ۳۷/۶٪ را گزارش کرده‌اند (کمالی، ۱۳۸۲). نتایج سرشماری سال ۱۳۸۲ نشان‌دهنده کاهش قابل توجه کسانی است که اعتماد بالایی نسبت به سایر شهروندان ابراز داشته‌اند، این رقم از ۵۳٪ در سال ۱۳۵۳ به ۱۰٪ در سال ۱۳۸۲ کاهش یافته است، که این میزان افول اعتماد اجتماعی در ایران در این فاصله نسبتاً کوتاه بسیار زیاد و قابل تامل است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳ : ۵۹). این آمارها در کل نشان می‌دهد که مساله‌ای به نام بحران اعتماد اجتماعی در جامعه وجود دارد و این بحران بر سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی در ایران تاثیر مشهودی دارد (همان : ۳۵).

سطح اعتماد زنان حتی از مردها هم کمتر است و این تفاوت در اعتماد به دیگران دور بیشتر می‌شود و رقم آن در زنان ۴/۷۹ و در مردان ۵/۱۳ (در فاصله ۰ تا ۱۰) می‌باشد (آزادارمکی و کمالی، ۱۳۸۳ : ۱۱۹). اعتماد به دیگران دور و بویژه اعتماد اجتماعی لازمه تعاملات اجتماعی در دنیای مدرن است و پایین بودن آن در زنان نشانه آسیب شناختی روابط اجتماعی زنان و نیز به منزله سدی برای ورود زنان به اجتماع محسوب می‌شود. لذا به نظر می‌رسد که بررسی وضعیت اعتماد اجتماعی از بعد جنسیت و توجه به مقوله اعتماد اجتماعی زنان و شناسایی موانع بومی ایجاد و تقویت آن در جامعه باید مورد توجه جدی قرار بگیرد.

امروزه نقش و اهمیت حضور و مشارکت زنان بعنوان بخش مهمی از نیروی انسانی بیش از پیش مورد تأکید می‌باشد و کشورها نیز به مقوله مشارکت زنان در برنامه های توسعه توجه بیشتری نشان می‌دهند. توجه به این امر در کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران اهمیتی دو چندان می‌طلبد چرا که وضعیت زنان در این کشورها-که به لحاظ فرهنگی مشابهت‌های زیادی با هم دارند-پیچیده است. خاورمیانه اغلب، منطقه‌ای تلقی می‌شود که در آن توسعه، زنان را دور زده است. اگر چه چندین دهه سرمایه گذاری عظیم در بخش های اجتماعی سطح آموزش و بهداشت زنان را بسیار بهبود بخشیده و باروری آنها را کاهش داده اما این پیشرفت‌ها هنوز نتیجه مورد انتظار را در اشتغال و مشارکت اقتصادی به بار نیاورده است (Chamlou, 2004 : 35). در آمارهایی که درخصوص توسعه انسانی مطرح می‌شود، یکی از مسائل مهم، میزان حضور و مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. از این جنبه خاورمیانه شاید یکی از عقب مانده‌ترین مناطق جهان است و حتی از آفریقای زیر صحرا نیز وضعیت بدتری دارد (کولایی، ۱۳۸۳ : ۵۸). کمتر از یک سوم زنان خاورمیانه در نیروی کار مشارکت دارند که با سطح ۳۲٪ پائین‌ترین نرخ در سراسر جهان می‌باشد (همان : ۸۴). از همین رو کشورهای خاورمیانه از کمک بسیار مهم زنان که می‌توانست به تسهیل توسعه همه جانبه این کشورها بیانجامد محروم مانده و زنان در این کشورها بصورت یک منبع دست نخورده باقی مانده‌اند، به همین دلیل این کشورها تا کنون در زمینه توسعه توفیق چندانی بدست نیاورده‌اند.

یکی از ویژگی‌های اصلی این جوامع این است که زنان در همه این جوامع کما بیش با محدودیت های ناشی از تعصبات و ناموس‌پرستی مواجه‌اند. در فرهنگ اغلب این جوامع مفهومی ریشه‌دار به نام ناموس وجود دارد که با اخلاقیات عرفی و سنتی در هم تنیده شده است. ناموس‌پرستی نظامی محدود کننده و سلطه‌گرانه را بوجود آورده که در آن زنان با انواع ممانعت‌ها تحت عنوان اخلاقیات کنترل می‌شوند. در چنین نظامی زنان شریانی حیثیتی و آبروی خانواده محسوب می‌شوند و حفظ آبرو و

شرف خانوادگی بر عهده مردان است که این وظیفه را با اعمال انواع محدودیت‌ها و کنترل‌ها در همه مسایل مربوط به زنان انجام می‌دهند. کولایی به نقل از نشأت و تاکر اظهار می‌کند که رفتار با زنان در جوامع خاورمیانه به اندازه خود این جوامع متنوع است، اما مشخصه اصلی آن نقش سنتی زنان، گوشه نشینی و انزوا و انقیاد آنان در برابر مردان می‌باشد (همان : ۲۹). در واقع جنسیت در خاورمیانه توسط جامعه مرد سالار شکل گرفته و با آن پیش می‌رود و مردسالاری بصورت کنترل رسمی مردان بر زنان و خانواده که توسط پدران، شوهران و برادران اعمال می‌شود، تعریف می‌گردد (ایستین، ۱۳۸۶). در بستر چنین فرهنگی به زن از کودکی این باور القاء می‌شود که به شدت در مقابل مردان غریبه شکننده و آسیب‌پذیر است و باید دائماً مراقب آنان باشد تا فرصت صدمه زدن و فریب وی را نداشته باشند؛ چرا که اعتماد به آنان می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای زن و از همه مهمتر برای عزت و آبروی خانواده‌اش داشته باشد. این امر باعث رواج سوءظن و بی‌اعتمادی از یک سو و القای احساس بی‌قدرتی و انفعال در زنان از سوی دیگر می‌گردد.

در کنار آن ناموس پرستی و بدنبال آن اعمال جداسازی جنسیتی و تمایز میان حوزه‌های مردان و زنان، زنان را از داشتن روابطی پویا و شاداب در عرصه اجتماعی محروم می‌سازد. بدین ترتیب زنان در این جوامع با فقر شبکه ارتباطات اجتماعی و یا اختلال رابطه‌ای به تعبیر چلبی مواجه اند.

از آن جا که روابط و تعاملات اجتماعی نقش کلیدی در ایجاد و بسط اعتماد دارند و در واقع اعتماد در روابط و تعاملات گرم و صمیمانه معنا می‌یابد، شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود، می‌توان محدودیت زنان در برقراری و بسط روابط اجتماعی، بویژه روابط گرم و صمیمانه (اظهاری) را به عنوان یکی از موانع مهم اثرگذار بر سطح اعتماد اجتماعی زنان مورد بررسی قرار داد.

در تحقیقات صورت گرفته پیشین اعتماد بنیادین بعنوان مبنا و پایه ایجاد اعتماد اجتماعی مدنظر بوده است. اعتماد بنیادین نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که حاصل تجربیات فرد در

سالهای اولیه زندگی است. این نوع اعتماد زمینه شکل‌گیری و طرح سایر صور اعتماد است (غفاری ، ۱۳۸۳). اعتماد بنیادین که طی تجارب کودکی در فرد شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود، عاملی است برای برقراری و بسط روابط اعتماد‌آمیز فرد در بزرگسالی، بطوریکه می‌توان آن را بعنوان یک متغیر اثرگذار در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی و مشارکت زنان قلمداد کرد. بنابراین در این پژوهش در کنار سایر عوامل ذکر شده متغیر اعتماد بنیادین برای بررسی مبنای شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در بزرگسالی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۱. پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی

- آیا اعمال تعصب و ناموس پرستی بر زنان با سطح اعتماد اجتماعی آنان رابطه دارد؟
- آیا سطح روابط اجتماعی زنان با سطح اعتماد اجتماعی آنان رابطه دارد؟
- آیا نوع روابط (اظهاری و ابزاری) زنان با سطح اعتماد اجتماعی آنان رابطه دارد؟
- آیا احساس بی‌قدرتی زنان با سطح اعتماد اجتماعی آنان رابطه دارد؟
- آیا سطح اعتماد بنیادین زنان با سطح اعتماد اجتماعی آنان رابطه دارد؟

پرسش‌های فرعی

- آیا عوامل زمینه‌ای (سن، تحصیلات، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و وضع شغلی زنان) با اعتماد اجتماعی زنان در رابطه اند؟
- آیا تعصب و ناموس پرستی با سطح روابط اجتماعی زنان رابطه دارد؟
- آیا تعصب و ناموس پرستی با نوع روابط اجتماعی زنان رابطه دارد؟
- آیا تعصب و ناموس پرستی با احساس بی‌قدرتی در زنان رابطه دارد؟

۴.۱. ضرورت پژوهش

در شرایط اتفاقی و نامتعیین امروزی، اعتماد نیازی اساسی و مبرم شده است که برای کنار آمدن با غریبه‌ها بدان نیازمندیم. به عبارتی ما در مورد کسانی که پیوسته در معرض دیدمان هستند و فعالیت هایشان را می‌توان مستقیماً مورد بازنگری قرار داد، به اعتماد نیاز نداریم، بلکه اعتماد هنگامی ضروری می‌شود که در نتیجه فاصله‌گیری زمانی و مکانی اطلاع کاملی از پدیده‌های اجتماعی نداشته باشیم. در نتیجه پایین بودن سطح اعتماد اجتماعی زنان به منزله سدی برای ورود زنان به اجتماع و به معنای انزوا و حصر آنان در عرصه خصوصی و در نتیجه عدم مشارکت آنان در فعالیتهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد.

از سوی دیگر زنان نیروی عظیمی را تشکیل می‌دهند که اگر در امر توسعه به کار گرفته شوند، دستاوردهای شگرفی را برای رشد اقتصادی و پیشرفت کشور خواهند داشت. در واقع برای تحقق توسعه پایدار، مشارکت و حضور زنان امری ضروری است. اما متأسفانه شواهد گویای پایین بودن نرخ مشارکت زنان در ایران می‌باشد. مقایسه نرخ اشتغال زنان ایران - که نوعی مشارکت اقتصادی است - با سایر کشورهای جهان - نشان می‌دهد که سطح اشتغال زنان ما در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و حتی بسیاری از کشورهای توسعه نیافته در سطح نازلی قرار دارد و تفاوت فاحشی در این زمینه میان گروه کشورهای خاورمیانه با سایر کشورهای در حال توسعه وجود دارد (افشاری، ۱۳۷۴ : ۶۵۴).

با توجه به این که اعتماد زنان پیش شرط و زمینه ساز مشارکت است، ضرورت ایجاد می‌کند که برای افزایش مشارکت و پویا نمودن جمعیت زنان، بحث اعتماد در زنان مورد توجه ویژه واقع شود. با عنایت به اینکه آمار مربوط به سطح اعتماد در ایران در سطح کلی و خصوصاً در بین زنان پایین است، شناخت موانع ایجاد و بسط اعتماد در زنان ضرورت می‌یابد.

در فرهنگ ایرانی - اسلامی ما مفهومی ریشه‌دار به نام ناموس وجود دارد که با اخلاقیات عرفی و سنتی جامعه ما در هم تنیده شده است. ناموس گرایی و ناموس پرستی یا تعصب و غیرت ورزی مردانه نظامی محدودکننده و سلطه‌گرانه را بوجود آورده که در آن زنان با انواع ممانعت‌ها تحت عنوان اخلاقیات کنترل می‌شوند. در چنین نظامی زنان شریان حیاتی حیثیت و آبروی خانواده محسوب می‌شوند و حفظ آبرو و شرف خانوادگی بر عهده مردان است که این وظیفه را با اعمال انواع محدودیت‌ها و کنترل‌ها در همه مسایل مربوط به زنان انجام می‌دهند.

این ایدئولوژی در بطن خود بی‌اعتمادی، سوءظن، بدبینی، یک جانبه‌گرایی، بی‌منطق شدن و خشونت را به همراه دارد. آنچنان که می‌بینیم مهمترین نوع خشونت علیه زنان در لوای تعصبات و غیرت ورزی مردانه است و شدیدترین شکل آن در قتل‌های ناموسی نمود می‌یابد. توسط صندوق جمعیت ایالات متحده تخمین زده شده که تعداد کثیری از زنان و دختران به اندازه ۵۰۰۰ نفر در سال توسط اعضای خانواده خود در سراسر جهان کشته می‌شوند (ایستین، ۱۳۸۶). در اکثر همسرکشی‌ها نیز سوءظن دلیل اصلی اقدام به قتل بوده است، در حالی که بعد از جنایت مشخص شده که قاتل دچار توهم بوده و سوءظن را نمی‌تواند اثبات کند (قنبرپور، ۱۳۸۴: ۸). ناموس پرستی و غیرت‌ورزی علاوه بر قتل‌های ناموسی و همسرکشی پدیده شوم دیگری را به دنبال دارد و آن خودکشی زنان است. در پژوهشی که توسط محسنی تبریزی در زمینه خودکشی زنان ایلام صورت گرفته در نظر سنجی از خودکشی‌های ناموفق و بستگان درجه اول خودکشی‌های موفق، مهم‌ترین علت خودکشی زنان، تهمت ناموسی می‌باشد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۲: ۶۵۰).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعصب و فشارهای بی‌جا و وحشت دختران از قربانی شدن در قتل‌های ناموسی از جمله مهمترین عوامل فرار دختران از خانه بوده است. صمدی‌راد در پژوهش خود فرار دختران از منزل را به منزله مکانیزمی دفاعی و رهایی بخش مطرح می‌کند که فرد به خاطر رهایی از